

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال پنجم، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۹۳

صفحات: ۷۹-۹۶

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱۲/۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۴

بررسی ویژگی‌های شخصیتی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در شعر پس از انقلاب اسلامی

شهین قاسمی*

چکیده

شعر فاطمی شیوه‌ی نوینی در ادبیات عصر انقلاب اسلامی می‌باشد و حضرت فاطمه (س) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا شخصیت حضرت زهرا (س) برای روشن نمودن جایگاه زن در جامعه نقش‌گویی به‌سزایی داشته و باعث پویا و فعال شدن نقش زن در ادبیات انقلاب شده است. بسیاری از شاعران انقلاب مضامین مکرر را در قالب‌های گوناگون از جمله نو و با زبانی جدید بدون تقلید جهت شناخت حضرت زهرا (س) به کار برده‌اند. در این مقاله به چهار نگرش کلی پیرامون اشعار فاطمی پرداخته شده است و در ادامه، آن دسته، از ویژگی‌های شخصیتی حضرت زهرا (س) که با توجه به موقعیت اجتماعی و ادبی در این عصر ظهور بیشتری در شعر شاعران معاصر داشته است مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

کلید واژگان: حضرت فاطمه (س)، ادبیات انقلاب اسلامی، شخصیت، شاعران معاصر.

*عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، ایران. (نویسنده مسئول: sh.ghasemi158@yahoo.com)

مقدمه

سخن از فاطمه (س) است. شخصیتی که جلالت و بزرگی او در قالب مفاهیم و الفاظ نمی‌گنجد و افراد عادی بشر را توان آن نیست که در شأن و عظمت او سخن بگویند و شأن کمالات او را خدا می‌شناسد و رسول خدا (ص) و همسر گرامیش و دیگران را به کنه معرفت او دسترسی نیست. بدان امید است که باشد از آسمان ولایت او روزنه‌ای در اندیشه پدید آید، دل‌مان به نور وجودش روشن گردد و درس آموزی از او ما را در برابر حوادث روزگار مقاوم سازد.

از اهداف این مقاله علاقمندی و ضرورت آشنا کردن دانشجویان و علاقمندان به زندگی بانوی بانوان حضرت فاطمه (س) و شخصیت والا و برجسته‌ی ایشان از نگاه شاعران و ادبیات انقلاب می‌باشد تا زمینه‌ای برای ادب دوستان باشد. آنچه در این مقاله مورد نظر است بررسی و شناخت آن دسته از ویژگی‌های شخصیتی حضرت فاطمه (س) که در شعر شاعران عصر انقلاب مطرح و بیشتر به آن‌ها توجه شده است. از آنجا که دین مبین اسلام و ارزش‌های فرهنگ اسلامی و گرایش‌ها و علائق دینی در شعر عصر انقلاب تجلی بیشتری نموده است و زنان نقش مهمی در پیدایش و پیروزی انقلاب داشته‌اند و در صحنه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی - علمی و فرهنگی حضور فعال دارند لازم است جهت انجام این رسالت از سرور و الگوی زنان مسلمان حضرت فاطمه (س) پیروی نمایند و ابعاد وجودی ایشان را بشناسند.

حضرت فاطمه (س) بانویی است که وجود او منشأ خیر و برکت بسیار و دلیلی برای برهم زدن شیوه‌های نادرست و باورهای گذشته در باره‌ی زنان و موجد راه و روشی جدید در حیات آنان است. حضرت فاطمه زهرا (س) همواره در طول تاریخ و به خصوص در شعر معاصر جایگاه ویژه‌ای دارد و درباره‌ی مسایل مربوط به آن حضرت از جمله زندگی و شخصیت والا‌ی ایشان تحقیقات فراوانی انجام و کتاب‌های زیادی نوشته شده است. از جمله مسائلی که بیشتر مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته و مطرح شده مواردی است از قبیل:

حوادث و جریانات زندگی آن حضرت از بدو ولادت تا شهادت.
جایگاه و سیمای آن حضرت در قرآن کریم و سیره و حدیث نبوی.
صفات و مناقب آن حضرت از جمله: زهد و تقوا، قناعت، سخت‌کوشی، سخاوت و ایثار، علم و خردمندی، دفاع از حق و حمایت از نبوت و ولایت، صبر و شجاعت و...
مظلومیت آن حضرت از جمله: منع شدن او از فدک، هجوم به خانه‌اش و آسیب‌های روحی و جسمی و در نهایت شهادت و بی‌نشان بودن مزار او و به شهادت رسیدن فرزندان‌ش به دست مدعیان مسلمانی.

اشعاری که مربوط به ولادت یا شهادت آن حضرت است. که بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. اشعاری که در آن‌ها حضرت فاطمه (س) مقصود آفرینش و بهانه خلقت است. الهام اشعار شاعران از سوره‌ی مبارکه که کوثر و اقرار به این که حضرت فاطمه (س) خیر کثیر است. فضایل و مناقب حضرت زهرا (س)، هم کفو بودن حضرت فاطمه (س) با حضرت علی (ع)، ازدواج حضرت فاطمه (س) با حضرت علی (ع)، غصب فدک، سوگ سروده‌هایی که از زبان حضرت فاطمه (س) بیان

شده است. هجوم به خانه‌ی وحی، عروج حضرت فاطمه زهرا(س) از خاک تا افلاک، اشعاری که در وصف حضرت محسن(ع) است. وصف حال فرزندان حضرت فاطمه(س) پس از شهادت جانسوز آن حضرت، توصیف حال پریشان و ناله‌های امیر مؤمنان(ع) در فراق حضرت فاطمه(س)، بی‌نشانی تربت پاک حضرت فاطمه(س)، انتظار شیعه به ظهور منتقم خون حضرت فاطمه زهرا(س)، ابراز ارادت، توسل و امید به شفاعت حضرت فاطمه(س)، علاقه‌ی بیش از حد حضرت پیامبر(ص) به حضرت زهرا(س)...

چهار نگرش کلی پیرامون اشعار فاطمی

«به نظر می‌رسد اگر (شعرهای فارسی فاطمی) را - که تاکنون سروده شده است - از لحاظ جهت گیری و زاویه نگرش دسته‌بندی شود، نقاط ضعف و قوت و زمینه‌های خالی و نیازمند خلاقیت بیشتر تا حد بسیاری روشن و مشخص گردد.

بدون شک بسیاری از سروده‌ها دو، سه و یا هر چهار جنبه را بهم آمیخته دارند و تعداد اشعاری که تنها یکی از جهات را لحاظ کرده باشد، فراوان نیست. پرسش آن است که چرا این چهار نگرش نمود بیشتری یافته است؟، عمده این گونه اشعار از قدیم و جدید از نظر نگرش و فضای حاکم بر آنها قابل تقسیم به انواع چهارگانه است. اکنون با ذکر نمونه‌هایی - با اولویت دادن به شعر معاصران - به بررسی این نگرش‌ها پرداخته می‌شود:

روایی و تاریخی بودن

مراد از این گونه نگرش، شعرهایی است که بر مبنای ذکر مقاطعی از زندگی آن حضرت مانند ازدواج، غضب شدن فدک، شهادت او و یا بر مبنای جایگاه صدیقه کبری در خاندان عصمت(ع) و آیات و احادیثی که در شأنشان آمده است، شکل گرفته‌اند.

مثنوی‌های احمد عزیزی در کتاب «لاله‌ی زهرایی» حرکتی است در این سو و نیز قصیده زیبای (فرید) شاعر معاصر با مطلع (روزی که دفن کرد علی بی صدا ترا) ضمن اشاره به مرحله تاریخی حیات آن حضرت به تحلیلی منطقی و در عین حال شاعرانه دست یافته است.

فلسفی و کلامی بودن

اشعاری را که بطور عمده به نقش زهرای مرضیه(س) در عالم هستی و مقام معنوی و روحانی و عرفانی اش می‌پردازند، می‌توان دارای جهتی فلسفی و کلامی دانست. از این دست اشعار از دیرباز تاکنون گفته‌اند و می‌گویند. یکی از بهترین این گونه اشعار مثنوی (محمد فکور صفا) متخلص به (فکور) است:

«عقل کل، اول ظهور باری است	وان ظهور اندر موالی جاری است...
چون که ظرف جان زهرا کامل است	عقل کل را در پذیرش شامل است
حضرتش مشکات نور عقل شد	تا که نور او به عالم نقل شد...
	(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۸۲، ۳۳)

تخیلی و شاعرانه بودن

در این گونه شعرها که دارای نگرش تخیلی به قضا یا هستند، تخیل هنری و مفاهیم فاقد مصادیق خارجی بر سایر جنبه‌ها غلبه دارد. نمونه مبالغه آمیز این گونه اشعار مدیحه سنجر کاشانی است که به جای آنکه خواننده شعر به اعجاب در برابر صفات عالیه حضرت فاطمه (س) برسد، در برابر نازک خیالی و مضمون یابی شاعر شگفت زده می‌شود:

«هم خضر آب داشت، هم اسکندر آینه مثل تویی که دیده در آب و در آینه؟
عکس ترا که شعله‌صف، سرکش آمده است در برابر کشد نکند باور آینه...»
(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۸۲، ۵۱)

عاطفی و شخصی بودن

آن دسته از اشعاری که بیان عواطف دینی و احساس ارادت به آستان مقدس فاطمه مطهر (س) در آن‌ها غلبه دارد، می‌تواند به عنوان سروده‌های عاطفی قلمداد شود. در نخستین سده‌های ظهور شعر شیعی، بیان اعتقادات دینی و ثبت حقایق تاریخ اسلام بر سایر جنبه‌ها غلبه دارد، مگر اینکه پایان برخی از شعرها با طلب شفاعت و دادخواهی سامان می‌یابد که بعدی عاطفی به شعرها می‌دهد. حساب سروده‌هایی را که درباره شهادت و مظلومیت آن حضرت است، باید جدا کرد زیرا تأثیر واقعه در بسیاری از موارد بیش از تأثیر زبان شعر است بویژه آنکه شاعران برای ایجاد انگیزش عاطفی در مردم بطور عمد یا سهوی از باطن حوادث گذشته و به تفصیل و رنگ و لعاب می‌پردازند و گاه شعر را از لطافت هنری و محتوای توحیدی هر دو خالی می‌کنند.

این گونه اشعار عوامانه ضربات مهمی بر فرهنگ عمومی دینداران در گذشته وارد کرده است که هنوز آثار آن باقی است. صغیر اصفهانی که از شاعران پیش کسوت معاصر در اشعار مذهبی است، گاه به شعری فلسفی و تجریدی (بیشتر در مدایح) و گاه به نوحه خوانی که با شعر عامیانه مذهبی فاصله بسیار اندک دارد روی می‌آورد و در آن گونه اشعاری که به (زبان حال) معروف شده اند به مناسبت ایام شهادت حضرت زهرا (س) می‌سراید:

«اگر رنجیده‌ای از من پسر عم خلافی دیده‌ای از من پسر عم
حلالم کن به جان نور عینم یتیم بینوای من حسینم...
شب هر جمعه آبی بر مزارم به خاطر آوری احوال زارم...»
(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۸۲، ۴۸۷)

پرسش آن است که آیا تنها یک فصل از حیات آن حضرت (یعنی مظلومیت و شهادت) است که باید در مخاطبان شعر فاطمی نگرش ایجاد کند یا توفیق حقیقی شاعر متعهد به آن است که توده‌های مردم را به کشف شیوه‌ای (شناختی-عاطفی) که بهترین نوع پیوند با پیشوایان دینی در ابعاد اعتقادی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی است، رهنمون شود؟

بدیهی است که غرض از این مبحث انکار اهمیت عنصر عاطفه در شعر نیست؛ بلکه هدف تقویت عنصر عاطفه در مسیر صحیح است زیرا اساس خلاقیت و تأثیر و تأثر شاعر و مخاطبان‌شان به همین عنصر

بستگی دارد. پیوستن شعر انقلاب به کاروان شعر عاطفی تکرار و تقلید، کلی گویی، استفاده زیاد از بیان خبری و تقریری، بازی های لفظی و افراط در رعایت موازین سخنوری، از مهم ترین موانع تاثیر گذاری عاطفی در شعر هستند، یکی از مهمترین موفقیت های شعر فاطمی در دهه های اخیر فائق آمدن برخی از شاعران بر این موانع است.

شاعران امروز شیوه های گوناگونی را برای انگیزش عاطفی در شعرهای خود تجربه می کنند. گاه بیان یک واقعت از ابعاد و زوایای گوناگون و با استفاده از استعارات لطیف را راهی برای نفوذ در دل ها قرار می دهند. در ترجیع بند طولانی محمدعلی مجاهدی (متخلص به پروانه) درباره هجوم به خانه آن حضرت پس از رحلت پدر بزرگوارش - تلاش برای دست یافتن به بیان لطیف و شاعرانه حقایق به وضوح دیده می شود:

«سوخت بال کبوتران حرم
دامن گل که سوخت از آتش
کار این شعله ها به لانه کشید
شعله سر از دل جوانه کشید...»
(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۸۲، ۱۸۱)

بسیاری از شاعران انقلاب در دو دهه اخیر سعی در درکی شهودی و احساس مستقل و زبانی فارغ از تکرار و تقلید - در زمینه پیوند شناختی و عاطفی - با (بانوی آب) و (آفتاب) و (بی نشانه ای که نشانه خداست) داشته اند. گاه مضامین مکرر را با زبان مستقل یا اوزان لطیف، نو و احیا کرده اند و به بعدی آشنا با ذهن مردم از زاویه ای جدید نگریسته اند و گاه به تجارب نو در حوزه فکری و عاطفی دست یافته اند.

«تو ستاره ای و تو اختری
تو همای اوج سعادت
تو یگانه بانوی عالمی
تو معظمی تو مکرمی...»
(مظاهری، ۱۳۶۵، ۳۱)

صیغه خطاب همراه با موسیقی پر شور و شوق انگیز کهنگی های این شعر را به تازگی بدل کرده است. در برخی از شعرها، نگاه شاعر در جستجوی زاویه ای نو برای بیان مطلب است. شعر (سرای فاطمه (س))، سروده حمید سبزواری، در اصل شعری ملهم از سخنان امام خمینی (ره) و دکتر شریعتی است. که آثار و سخنان آنان بالاترین تاثیر را در شکل دهی فرهنگ شعر فاطمی پس از انقلاب داشته است:

«حجره گلین است و کوچک است و عجب آنک
هست جهانی، چو جای فاطمه دارد
ورشحه ایمان تراود از در و بامش
خانه علم است و باب علم در آن است...»
(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۸۲، ۱۴۶)

تجلی بدیع شعر فاطمی در ادبیات انقلاب اسلامی، سروده های نوینی هستند که نوعی (ایمان تازه کردن) هم در عرصه فکر و هم در عرصه هنر محسوب می شوند. از این گونه شعرها می توان به شعر شهودی تعبیر کرد. نو سروده (پناه) اثر علی موسوی گرمارودی را در سال ۱۳۴۸ می توان گام نخست در مسیر این شعر دانست که به نظر می رسد گام های پس از آن در شعر فاطمی پس از انقلاب برداشته شد. در این شعر گرمارودی با دیدن کودکی گمشده و پریشان که مادر خود را می طلبد، خویش را در قالب

همان کودک گمشده می‌بیند که در جستجوی مادر مهربان همه عالم است:

«اینک منم:

آن طفل دور مانده گم گشته

آن خردسال کودک سرگشته

ای مادر عزیز همه عالم

کو مهر بار دامن پاکت؟ کو؟»

(موسوی گرمارودی، ۱۳۷۵، ۳۹)

در شعر شهودی گرچه صنعتگری و فخامت دسته پیشین شعرها به چشم نمی‌آید ولی استقلال تجربه‌ها و ذاتی بودن شعر آن را ممتاز می‌سازد. شعر بلند «بانوی ما»، اثر (طاهره صفارزاده) شعری متکامل و چند بعدی از این نوع است:

«در صبح گاه صادق عاشورا

به هوش می‌آیم

هنوز این سرغم دیده

سری که مخزن درد زمانه‌هاست

از عطر دامن بانو

از عطر آسمانی رؤیا مغشوش است...»

(محمدنژاد، ۱۳۸۱، ۷۰)

شخصیت ملکوتی حضرت فاطمه (س)

شخصیت آسمانی بانوی بانوان فاطمه (س) برتر از درک و ارجمندتر از وصف است، بانویی که در شمار معصومان است، بانویی که محبت و ولایت او و خاندان او از فرایض دینی است چگونه ممکن است ابعاد غریب شخصیت معنوی او در گفتار خاکیان محدود جلوه گر شود؟ اینک گوشه‌هایی از شخصیت ارجمند ایشان بیان می‌شود.

بخشی از گفته‌های حضرت امام خمینی (ره) آن سلاله‌ی پاک دخت گرامی رسول اکرم (ص) را برگزیده و زینت بخش این قسمت می‌نماید. «فاطمه زهرا(س) که افتخار خاندان وحی و چون خورشیدی بر تارک اسلام عزیز می‌درخشید زنی که فضایل او هم‌طراز فضایل بی‌نهایت پیغمبر اکرم (ص) و خاندان عصمت و طهارت (ع) بود؛ تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان، در فاطمه (س) جلوه کرده و بوده است» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۵)

فاطمه (س) محور آفرینش

آفرینش طفیل هستی زهرا است و فاطمه (س) محور خلقت است. «فاطمه (س) در جهان آفرینش و در دنیای اسلام می‌تواند محوری به حساب آید که گردش بسیاری از پدیده‌ها و چرخش آن‌ها بدور او

باشد. روایات بسیاری به نقل از مورخان شیعه و اهل سنت در دست است که او را مورد عنایت خداوند در امر آفرینش خوانده اند و حتی متذکر شده اند که اگر فاطمه (س) نبود آفرینش جهان نبود. «(قائمی، ۱۳۷۱، ۷۰)

این ویژگی حضرت فاطمه (س) که محور آفرینش است. از موضوعات مطرح شده در شعر شاعران و مداحان اهل بیت (ع) می باشد ولی در شعر شاعران معاصر به نسبت سایر ویژگی ها نمود کمتری دارد. اشاراتی که در این مورد در شعر مطرح است از این قبیل می باشد:

اشاره به خلقت حضرت زهرا (س) قبل از حضرت آدم (ع):

قاسم سروی ها:

«خلق شد آدم و حور از وجود زهرا (س) عالم کون و مکان شد به طفیلش موجود»

(حافظی، ۱۳۸۱، ۱۳۲)

عباس حداد کاشانی

«گر نبودی نور زهرا عالم و آدم نبود سقف نه توی سپهری ستون، محکم نبود»

(حافظی، ۱۳۸۱، ۴۹)

اشاره به مقصود حق از آفرینش حضرت زهرا (س):

سید محمد خسرو نژاد:

«در روزگار خلقت جن و بشر نبود مقصود حق ز خلقت زهرا اگر نبود»

(حافظی، ۱۳۸۱، ۶۸)

میر علی محمد نژاد:

«این راز بگویمت که مقصود خدا از خلقت کل آفرینش زهراست.»

(محمد نژاد، ۱۳۸۲، ۳۲)

اشاره به محوریت حضرت فاطمه (س):

سیمین دخت وحیدی:

«یقین به خلقت عالم، تو نقطه‌ی عطفی عطفی»

که گشته ای به دو منظومه مرکز و محور»

(صدر، ش ۱۵، ۲۳)

برترین بانوان:

شخصیت دست نیافتنی و الهی حضرت زهرا (س) از منظر وحی، یکی از مهم‌ترین سرفصلهای شخصیت وجودی آن بانوی بزرگوار جهان است. فاطمه عطیه الهی و حورای انسیه ای است که درک ژرفای اقیانوس کوثر او، در توان ما نیست.

او مادر هدایت، بانوی بهشت و سرور زنان عالم است، فاطمه هنوز مثل مزارش ناشناخته است گلگشت در باغ اندیشه بی مرزش و جستجو در بیکرانه روح زلال و آسمانیش گلهای ناپژمردنی معرفت را به ما

می بخشد و تشنگی و عطش قلب هایمان را جوابی شفاف می دهد. «پیامبر (ص) فرموده اند: فرشته‌ای به فرمان الهی نازل شد و به من بشارت داد که حسن و حسین سرور جوانان بهشت‌اند و فاطمه بانوی بانوان بهشتی است.» (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۱، ۳۲) او برترین بانوی اسلام و سیده زنان عالم است. گوهری تابناک در منظومه و رشته نسل پیامبر (ص) است. فرشته‌ای است از ملکوت اعلی و بانوی بانوان و فخر زنان عالم است. این ویژگی همواره در اشعار شاعران مورد نظر بوده و با عناوین گوناگون بیان شده است از جمله:

محمد علی مردانی:

«بر جمله بانوان دو عالم سرآمدی مهر سپهر عصمت و عین سعادت»
(حافظی، ۱۳۸۱، ۱۴۱)

منیژه در تو میان:

«السلام، ای نور خورشیدی ترین بانوی دین!
السلام، ای عشق! ای خیر النساء العالمین!»
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۱۵۳)

نسترن قدرتی:

«بود سر حلقه‌ی نسوان عالم به جمع اختران، جز او مهی نیست»
(محمدنژاد، ۱۳۸۲، ۷۸)

احمد ناظرزاده کرمانی:

«ای سرور زنان دو عالم که بود و هست
فردوس آیتی ز مبارک سرای تو»
(حافظی، ۱۳۸۱، ۲۶۱)

نیره سعیدی:

«آن زن که صفاتش همه جاورد زبان است نور دل ما فاطمه آن فخر زنان است»
(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۸۲، ۴۵۰)

فاطمه (س) و کوثر بودن

«کوثر یک معنی جامع و وسیع دارد، و آن «خیر کثیر فراوان» است و مصادیق آن زیاد است، ولی بسیاری از بزرگان علمای شیعه یکی از روشن ترین مصادیق های آن را وجود مبارک فاطمه زهرا(س) دانسته اند، چرا که شأن نزول آیه می گوید: آنها پیغمبر اکرم (ص) را متهم می کردند که بلاعقب است، قرآن ضمن نفی سخن آن‌ها می فرماید: «ما به تو کوثر دادیم.» (قرآن کریم، سوره مبارک کوثر، آیه شریفه ۱)
«از این تعبیر استنباط می شود که این «خیر کثیر» همان فاطمه زهرا(س) است، زیرا نسل و ذریه‌ی پیامبر (ص) به وسیله همین دختر گرامی در جهان انتشار یافت نسلی که نه تنها فرزندان جسمانی پیغمبر (ص) بودند، بلکه آیین او و تمام ارزشهای اسلام را حفظ کردند و به آیندگان ابلاغ نمودند، نه تنها امامان معصوم اهل بیت (ع) که آن‌ها حساب مخصوص به خود دارند، بلکه هزاران هزار از فرزندان فاطمه (س) در سراسر جهان پخش شدند که در میان آن‌ها علمای بزرگ و نویسندگان و فقها و محدثان و

مفسران والا مقام و فرماندهان عظیم بودند که با ایثار و فداکاری در حفظ آیین اسلام کوشیدند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ۲۷/۳۷۵)

محمود شاهرخی:

«آن که با کوثر و تطهیر، در آیات مبین مدح او آمده، من در صفتش حیرانم»
(حافظی، ۱۳۸۱، ۵۴)

عبدالعلی صادقی:

«از سلسبیل و زمزم و از آب زندگی کوثر، کنار نام تو زیباتر از همه»
(حافظی، ۱۳۸۱، ۶۱)

حبیب... چایچیان:

«آن خیر کثیر را که از فرط کمال ایزد بستود و خواند کوثر، زهر است»
(محمدنژاد، ۱۳۸۲، ۳۶)

جاوید صلاحی:

«کوثر، عطا نمود خدا بر رسول خویش الحَقِّ جمال فاطمه تفسیر کوثر است»
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۶۹)

در حقیقت حضرت زهرا (س) مجمع همه خیراتی است که از سر چشمه دین نبوی بر بشریت فرو می ریزد.

رسالت و امامت فاطمه (س)

«فاطمه (س) محور امامت است. خداوند به او مژده داد که از نسلش ۱۱ ذریه پاک و امام پدید آید که همه هدایتگر دوران خود می باشند. ام الائمه است و ام الازهار زیرا که نور امامان از او مشتق است. فاطمه (س) زنی است که نور امامان از او پدید آمده و تداوم یافت و بدین سان او امامت اسلام را به تاریخ بشریت و به انبیای گذشته الهی پیوند می دهد. او پس از وفات رسول خدا (ص) رسالت را زنده نگه داشت و اساس و رکن پیشرفت اسلام به حساب می آمد و همتای علی (ع) در مبارزات حق طلبانه به نفع اسلام بود. بار رسالت کربلا در واقع به دوش فاطمه بود و حاملان پیام شهادت دختران فاطمه اند.»
(قائمی، ۱۳۷۱، ۷۸)

رضا اسماعیلی:

«نبوت را تویی دختر، ولایت را تویی همسر امامت را تویی مادر، شفاعت را تو شایایی»
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۱۶)

خسرو احتشامی:

«هم باشدش بهار رسالت در آستین هم می چکد گلاب ولایت ز دامنش»
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۴)

مشفق کاشانی:

«به شاخسار رسالت، به بوستان ولایت
هزار نغمه بر آرد، که های وهوی تو دارد»
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۲۸۸)

مرتضی طایی:

«از حسن ارتباط حضرتش با حیدر صفدر
نبوت با ولایت متصل گردید و منضم شد
بلی بطن مشیت گر پسر می پرورد او را
بر او امر رسالت بعد پیغمبر مسلم شد»
(حافظی، ۱۳۸۱، ۶۷)

مرتضی جام آبادی:

«نبوت است و امامت دو دست حق، در کار
که داده عصمت زهرا میانشان پیوند»
(حافظی، ۱۳۸۱، ۶۷)

علم حضرت فاطمه (س)

یکی از ابعاد مهم شخصیت فاطمه (س) بعد علمی و فکری وی است. او به رغم کوتاهی عمرش، اندیشه‌های بزرگی داشته و چنانکه از سخنان وی پیداست، باورها و برداشت‌های دینی و اجتماعی‌اش از آگاهی و شناخت دقیق و عمیق مایه می گرفته و در داوری‌هایش نسبت به افراد، جامعه، حوادث و رویدادها، همواره از بلندای علم و آگاهی نگاه می کرده است و این همه در جامعه‌ای بود که مردانش نیز اغلب از سطح فکری بالایی برخوردار نبودند. بدون شک او مقام علمی والایی داشت زیرا تربیت یافته‌ی آغوش وحی بود و شواهد فراوانی بر این حقیقت گواهی می دهد.

«در خطبه‌ای که از حضرت زهرا(س) به یادگار مانده است، به خوبی این حقیقت رامی نمایاند. در این دو خطبه که یکی در مسجد نبی (ص) و دیگری در منزل در بستر بیماری ایراد شده است، محورهای مهمی چون توحید، نبوت، فلسفه تشریح، وضعیت سیاسی-اجتماعی مسلمانان پس از رحلت پیامبر، سیاست اصحاب سقیفه مبنی بر غصب خلافت از علی (ع) و فدک از فاطمه (س)، به گونه‌ای بسیار ژرف و دقیق تحلیل و شکافته شده و حقایق بسیار ارزشمندی با تعبیر و بیان هر چه زیباتر بیان گردیده است که گاهی در لطافت معنا و زیبایی تعبیر با خطبه‌های عمیق نهج البلاغه برابری می کند» (صدر، شماره ۱۵، ص ۵)

به هر حال از مجموع مطالب بیان شده، مقام برجسته آن حضرت در علوم و دانش‌ها و احاطه علمی آن بزرگوار حتی نسبت به مسائلی که دیگران از آن بی خبرند، روشن می شود. نمونه‌هایی از اشعاری که در مورد علم حضرت زهرا (س) سروده شده اند از جمله:

علیرضا قزوه:

«ای نبی را همچو مادر، ای علی را نیز یار
خطبه‌ای دیگر بخوان تا پر بگیرد ذوالفقار»
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۱۹۸)

سید محمد علی ریاضی:

«در منتهای اوج بلاغت خطابه اش
آهنگ چون پیمبر و منطق چو حیدر است»
(حافظی، ۱۳۸۱، ۱۱۶)

علیرضا قزوه:

«ای نبی را همچو مادر، ای علی را نیز یار خطبه ای دیگر بخوان تا پر بگیرد ذوالفقار»
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۱۹۸)

محمد عابد تبریزی:

«حریمش مهد علم دین، سرایش مکتب تمکی / کنیزان را کند تلقین، بیانش حکم یزدانی»
(حافظی، ۱۳۸۱، ۵۷)

حسین لاهوتی:

«کشاف رموز علم سرمد زهراست / مفتاح قلوب غیب احمد، زهراست»
(محمدنژاد، ۱۳۸۲، ۳۹)

عصمت فاطمه (س)

«فاطمه (س) دارای مقام عصمت است بدین معنی که معصومه است، یعنی محصوره از گناه، یعنی گناه ممنوع و محفوظ از لغزش و انحراف و از این دید می تواند الگو باشد.» (قائمی، ۱۳۷۱، ۶۲). عصمت یک سبب شعوری است که به هیچ وجه مغلوب نمی شود و از انواع شعور و ادراکی نیست که ما با آن آشناییم و از سنخ علوم و ادراکات متعارضی نیست که قابل اکتساب و تعلم باشد. پس در راه و روش فاطمه (س) اشتباه و لغزشی نیست. آیه تطهیر هم او را از رجس و خطا دور معرفی می کند. البته مقام بصیرتش و ادراکش از جهان و ماسوای آن خود عامل دیگری برای دوری او از لغزش است. عصمت موجب صورت علمی ریشه داری که پدید آورنده آثاری از اخلاق چون شجاعت عفت و سخاوت است و مانع پدید آوردن جبن، خمود و شره، بخل، تذبذب، تدبیر و بر این اساس فاطمه (س) دارای فضایل اخلاقی است به صورت کامل و مطلق و به دور از رذایل اخلاقی است آن هم در صورت کلی آن، او نه تنها تن به گناه نمی دهد، بلکه حتی ترک اولائی از او سر نمی زند، هرگز قول و فعلی را مرتکب نمی شود که در آن شائبه ترک اولی و یا گناه باشد. بدین سان او در خور تراز هر کس در داشتن جنبه الگویی است. (قائمی، ۱۳۷۱، ۶۲) عصمت حضرت فاطمه زهرا (س) به عنوان یکی از ویژگی های برجسته ایشان با عناوین گوناگونی از جمله: افق عصمت، آفتاب عصمت، عصمت ناب، عصمت کبری و... در شعر شاعران مطرح بوده است.

حسین اسرافیلی:

« آنجا که تویی جلال عصمت / بر مریم دامنش چه حاجت »
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۱۷۷)

جعفر رسول زاده:

«اطلس نجابت تو، تار و پود رشته ی نور / عصمت تو بسته نقاب، از حریر شرم و حیا»
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۴۸)

عبّاس نشاطی:

«ممکن کجا مشاهده‌ی روی تو، که تو در صد هزار پرده‌ی عصمت مستری»
(حافظی، ۱۳۸۱، ۶۴)

خادم تبریزی:

«از دولت عفاف تو حوران به افتخار در آستان عصمت تو پرده دارها»
(حافظی، ۱۳۸۱، ۳۶)

مظلومیت فاطمه (س):

«مظلومیت فاطمه (س) از مسائل مهم و حزن انگیز زندگی فاطمه (س) که در عین حال نکته آموز و سازنده است مسأله مظلومیت فاطمه (س) است. او مظلومه‌ای است فداکار و شهیده‌ای است مظلوم. او و خاندانش عمری برای مردم کار کردند و مردم را به سرو سامانی رساندند، از بدبختی نجاتشان دادند و امروز توسط همان مردم صدمه خوردند. از نظر ما فاطمه (س) از علی (ع) هم مظلوم تر است. زیرا او مرد بیرون بود ولی فاطمه (س) در جامعه کمتر ظاهر می شد. عزادار بود. باردار بود و کتک خوردن و به خاک افتادن او، آن هم در خانه خود مسأله دردناکی است.» (قائمی، ۱۳۷۱، ۳۲۹)

مظلومیت حضرت زهرا (س) یکی از موضوعات برجسته در شعر شاعران شیعه است این ویژگی در اشعار شاعران مطرح بوده و در مواردی از مظلومیت آن بانو از قبیل: غضب فدک، ضربات وارده بر آن حضرت و شکستن پهلوی آن بزرگوار و آتش زدن خانه اش و غربت و بی نشان بودن قبرش، کبودی بازوانش و... همه حکایت از مظلومیت حضرت زهرا (س) می باشد که به خاطر عاطفی بودن این مسائل این ویژگی بسیار مطرح شده است.

رضا اسماعیلی:

«تو بوی غربتستانی، نسیمی از نیستانی فدک
گویاترین شاهد تو مظلومی، تو تنهایی»
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۱۷)

فاطمه راکعی:

«ای بی نشانه‌ای که خدا را نشانه‌ای
هر سو نشان تو ست، ولی بی نشانه‌ای»
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۸۲)

محمد رضا آقاسی:

«یاد پهلویش نمازم را شکست
فرصت راز و نیازم را شکست»
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۲۱۶)

علیرضا علیزاده:

«ما وارثان زخم کبود شقایقیم
آیا گواه ما در و دیوار خانه نیست؟»
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۱۱۲)

حسین اسرافیلی:

« زخم بود و شعله ای، بال هما آتش گرفت ز آشیان سوخته دارد خبر دیوار و در »
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۹۳)

شجاعت فاطمه (س)

«او دلیر بود و بی واهمه، جز از خدا نمی ترسید، جز برای خدا حسابی باز نمی کرد، شجاعت فاطمه، زاینده ی قوت قلب توأم با تقوای او بود که برای او حرکت و قدرت ایجاد می کرد. جهاد (مبارزه مسلحانه با دشمنان اسلام) از واجبات است که با پدید آمدن موقعیت ها و شرایط بر هر فرد مسلمان ذی صلاح واجب می شود که به حکم حاکم شرع در جبهه حضور به هم رسانیده و با دشمنان اسلام بجنگد، گر چه مدافعان باید مسلح به سلاح روز باشند ولی روحیه دادن به رزمندگان نقش مؤثری در پیشرفت کار جبهه دارد، روحیه دادن به رزمنده راه های متعددی دارد یکی از آن ها حضور در جبهه و کمک رسانی است و حضرت فاطمه (س) در این گونه موارد به همراه پدر در جنگ ها حضور داشت و به زخم بندی مجروحان و اصلاح ابزار جنگی می پرداخت و با تمام توان برای یاری سپاه اسلام می کوشیدند. برای زنان، جهاد و جنگ ابتدایی با دشمن روانیست ولی بر آنان لازم است که پشتیبان نیرومند رزمندگان باشند و در پشت جبهه کارهای مقدماتی و درمان سایر کارها را برعهده بگیرند.» (تاج لنگرودی، ۱۳۷۷، ۴۴)

خسرو احتشامی:

«مرد آفرین زنی که خلیلانه می شکست بت خانهای خلاف خلافت زدامنش»
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۴)

سمانه خانلری:

«مردان سبز پوش صف آرای جنگاوران سرخ شهادت خواه»
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۷۰)

عباس خوش عمل کاشانی:

«دفاع عبرت آموز تو در تاریخ روشن کرد که خواهد ماند کانون ولایت دیر، یا زهرا»
(حافظی، ۱۳۸۱، ۵۶)

«چو مولا مرد میدان بود، زهرا ولایت را کند تا پاسداری»
(حافظی، ۱۳۸۱، ۶۳)

عطوفت فاطمه (س)

اشعار فاطمی در ادبیات انقلاب از جنبه های عاطفی جایگاه ویژه ای دارد و اینک جنبه هایی از عاطفه حضرت فاطمه زهرا (س) در ابعاد زیر که در شعر شاعران مطرح شده ذکر می شوند:

عاطفه اش به پدر:

وحیده مهدویان:

« نادیده چشم دهر چنین دختری که او بهر پدر ز راه محبت چو مادر است »
(حافظی، ۱۳۸۱، ۳۰)

عاطفه اش با همسر :

ناصر فکری :

«همدم و هم فکر و هم پیمان مظلوم زمان
همسر و همسنگر خونین دل مولا منم»
(حافظی، ۱۳۸۱، ۶۶)

محبت به خانواده:

عباس مهری آتیه :

«یک سفره محبت که در آن نان صفا بود
بر ذره‌ای از نان و نمک پل زده بودی»
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۲۷)

نجابت و عفاف فاطمه (س):

«حضرت فاطمه (س) در مورد عفاف برای زنان مسلمان می فرماید: «بهترین چیز برای زنان آن است که مردان نامحرم آن‌ها را نبینند و آن‌ها نیز نامحرمان را نبینند.» (کفاش، ۱۳۸۰، ۴۶) حضرت فاطمه (س) الگوی برتر عفاف است. آنچه او عمل کرد حجتی است برای همه زنان در جامعه اسلامی، شایسته است سعی کنند از فاطمه (س) عقب نمانند. حضرت فاطمه (س) پوشش را در رابطه با نامحرم رعایت می کرد. حتی از فردی نابینا هم حجاب می گرفت. حتی برای پس از مرگ خود در اندیشه عفاف و ستر پیکرش بود. این ویژگی برجسته حضرت زهرا (س) یکی از موضوعات مهمی است که همیشه در شعر شاعران به خصوص شاعران عصر انقلاب اسلامی به دلیل موقعیت اجتماعی جامعه نسبت به سایر ویژگی‌ها جلوه و نمود بیشتری پیدا کرده است.

محمد علی مردانی :

«در علم و حلم و طاعت و تقوا یگانه ای
سرچشمه‌ی حیا و عفاف و شرافتی»
(محمد نژاد، ۱۳۸۲، ۵۷)

عبدالعلی صادقی :

«از دامن تو نخل نجابت گرفت پا
سرسبز و با طراوت و رعنا تر از همه»
(حافظی، ۱۳۸۱، ۴۱)

جواد مستأجری :

«مهبط وحی خدا شد، مصدر نور عفاف
در یکتای نبی، سرمنشأ بهت عقول»
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۵۰)

محبوبه ایران نژاد :

«یاس، مفهوم نجابت بود و بس
داس، تدیس شقاوت بود و بس»
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۲۰۹)

دیانت و عبادت فاطمه (س)

خداوند در بلندترین قله انسانیّت کامل ترین زن را به بشریّت عرضه نموده تانه تنها زنان، بلکه تمامی انسان‌ها با مطالعه سیره و زندگی وی، راه صعود به قله سعادت و کمال را بیابند و این زن نمونه،

وجود مظهر فاطمه (س) است. در این عصر شایسته است زن مسلمان مانند فاطمه (س) دل را با یاد خدا آباد سازد تا غیر خدا در آن راهی نیابد و علاوه بر انجام فرائض در به جا آوردن نوافل نیز کوشا باشد. همچنین برای تهذیب نفس که راهی برای رسیدن به کمال است زنان می بایست در این زمینه نیز از آن بانوی بزرگوار پیروی نمایند.

فاطمه (س) محور دیانت دیروز و امروز بشر است. به برکت او چراغ اسلام روشن است. این همه آثار تربیت از وعظ و سخنرانی ها و این همه آموزش های دینی از تعلیمات و تبلیغات همه از فاطمه (س) است و خیراتش هم به فاطمه (س) برمی گردد.

محمد جواد محبت:

«گشت تسیح تو، ای نیکو سرشت خلق را یک در ز درهای بهشت»

(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۵۰)

حامد حجتی:

«اذنی آسمانی در تمام صحن می پیچد و بانویی قنوتش می چکاند عطر باور را»

(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۱۹)

سید اکبر میرجعفری:

«در مسجد سینه تو، یک آسمان معتکف بود»

یک کهکشان مهر و تسیح، گل کرد از خاک پایت»

(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۹۹)

صبر و استقامت فاطمه (س)

فاطمه (س) روحیه ای مقاوم دارد، در برابر شدت بادهای حوادث خود را نمی بازد و از شرایط سخت ناراحت نیست. او حلیم بود و با متانت در برابر ناهنجاری هایی که قدرت بر رفع آنها نداشت حلم به کار می برد. او در برابر شداید سخت زندگی، فقرها، ناکامی ها، ناداری ها و غیره مقاوم بود در برابر ناروایی های مردم شکیبایا بود. به عنوان یک مادر، یک همسر، یک زن صبور در مشکلات زنی که در طول هشت نه سال همسری شوهرش بیش از سی بار به جنگ رفته و در عملیات شرکت کرده است.

عباس حداد کاشانی:

«صبر تو بر شکیبی تو گریه می کند عالم به غم نصیبی تو گریه می کند»

(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۱۰۳)

ادیب الممالک فراهانی:

«از دیده ای سرشک فشان در غم پدر و ز دیده ای نظاره به حال پسر عمش»

(شاهرخی و کاشانی، ۱۳۸۲، ۴۵۹)

محمد جواد غفورزاده شفق:

«ز چشم اشکبار خود، نه تنها از من بی دل که صبر و طاقت از ابر بهاری می برد زهرا»

(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۵۵)

محمدعلی ریاضی:

«از رنج کار، آبله می‌زد به دست او
دستی که بوسه گاه لبان پیمبر است»
(حافظی، ۱۳۸۱، ۱۱۶)

جواد محقق:

«قصه‌ی صبر تو را، ای مادر خوب پدر
سنگ‌های صخره می‌خوانند باران سرود»
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۱۱۴)

رضا اسماعیلی:

«ای قائمه‌ی تمام هستی، زهرا
آینه‌ی صبر و حق پرستی، زهرا»
(محمدنژاد، ۱۳۸۲، ۱۱۴)

عبدالحسین اشعری:

«زهرا تو چو آسمان و من ابر توام
آینه‌ی صبر و مات از صبر توام»
(محمدنژاد، ۱۳۸۲، ۱۸۵)

ایثار و سخاوت فاطمه (س)

یکی از صفات برجسته‌ی اخلاقی صفت ایثار است. ایثار به این معناست که انسان چیزی را که خود به آن نیازمند است به دیگری واگذارد، خداوند وقتی می‌خواهد مؤمنی را به بهترین صفات توصیف کند از ایثارش می‌گوید. حضرت فاطمه (س) اهل جود و سخاوت و اهل ایثار است. نمونه‌های بارز آن نذری بود که حضرت زهرا (س) برای رهایی از بیماری فرزندان خود کرد که سه روز افطار خود را به مسکین و فقیر بدهد. این ایثار مال است و فاطمه چنین کرد. او به ایثار فراتر اقدام کرد و آن ایثار جان و سلامت خود بود و حتی فرزندش را برای ایثار در راه اسلام پرورش و تربیت کرد تا ایثارگرانی برای اسلام باشند.

حضرت فاطمه (س) با اینکه زندگی سختی داشت در راه خدا از هیچ بخششی فروگذار نمی‌کرد هر چه که خود به آن نیاز داشت همچنین بخشیدن کردن بند خود در شب عروسی به پیری که درخواست کمک داشت از جمله مواردی است که در این زمینه ابراز فرمودند که سبب نزول آیاتی از سوره‌ی مبارکه «انسان» گردید.

حمید سبزواری:

«گواست کوثر ز پایه او، نشسته طوبی به سایه‌ی او

ندیده چشمی طلایه‌ی او، که چشم احسان به در ندارد»
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۶۴)

علیرضا شکوهی:

«مثل آن ذره که بر چشمه‌ی خورشید نشست
هر که افتاد، تو ای دست کرم بردارش»
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۶)

سیمین دخت وحیدی:

«تویی که مظهر جود و سخاوت و کرمی تویی تو، خیر کثیر و مقتدای بشر»
(صدر، شماره ۱۵، ۲۳)

شفاعت فاطمه (س)

«به خاطر آبرومندیش در پیشگاه خداوند فاطمه (س) دارای مقام شفاعت است و این سخنی است که پیامبر درباره اش فرموده است: «جعل الله مهر فاطمة الزهراء شفاعة المذنبين من ام ايها» خداوند مهر فاطمه زهرا (س) را شفاعت گنهکاران امت پدرش قرار داد. در این ادعا جای تعجب و استبعاد نیست. خداوند این چنین می کند که به بنده ای مقام عزت و شفاعت می بخشد، بدون اینکه بنده ای را در آن امر مستقل و یا خود را در این جنبه خلع ید کند. برخلاف تصور گروهی که آن را محال می دانند این دعوی مبنای قرآنی دارد بدین گونه که: جان ها به دست خداست (الله يتوفى الانفس حين موتها) ولی آن را در اختیار فرشته مرگ قرار می دهد بدون اینکه آن حق را از خود سلب کند.» (قائمی، ۱۳۷۱، ۶۶)

حسین لاهوتی (صفا):

«دارد صفا امید شفاعت ز در گهش روز جزا که چشم همه سوی اولیاست»
(حافظی، ۱۳۸۱، ۵۹)

حسن فرح بخشیان:

«در وصف مقامش بود این بس که خداوند خوانده است و را شافعه ای روز جزایش»
(حافظی، ۱۳۸۱، ص ۴)

ابوالفضل فیروزی:

«آن را که تو اش شفیع باشی پروا نکند ز روز محشر»
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۵۲)

سید علی شجاعی:

«دانم که روز حشر، شفاعت به دست اوست مهرش به دل، ذخیره ی فردا نهاده ام»
(اسماعیلی، ۱۳۸۱، ۶۲)

نتیجه گیری

شعر انقلاب که آینه تمام نمای روح حماسی، الهی و انقلاب ملت ایران است از بسیاری جهات در استفاده از واژگان، اصطلاحات و معانی درج شده در قرآن، احادیث معصومان (ع) و ادعیه و زیارت ائمه و زیارات و سیره زندگی ائمه (ع)، حق مطلب را ادا کرده است اما باید اذعان کرد که شاعران انقلاب ناگفته های بسیار دارند و نیروی زایش شعر ناب در آنها نهفته است. البته سرودن در شأن والای حضرت سیده النساء که انسانی عدیم النظیر و زنی همطراز انبیاست کاری است دشوار و توفیقی است که باید خود آن حضرت عطا فرماید. تأثیر این دشواری را در محدودیت قلمرو سخنوران و تکرار شدن مضامین شعرای متقدم - از گذشته تا امروز - نمی توان نادیده گرفت.

از جمله مشکلات و مسائلی که پیرامون این موضوع به چشم می‌خورد در نگاه اول دشواری سرودن در شأن والای حضرت فاطمه(س) می‌باشد. زیرا بازگو نمودن این همه فضایل بی‌شمار در قالب‌های ادبی از قبیل نثر و نظم و غیره در مورد کسی که زیباترین و بلندترین منظومه خداست دشوار می‌نماید. با توجه به این که هنر شعر از بهترین شیوه‌ها جهت ترویج معارف اهل بیت (ع) به ویژه در خدمت الگوی عفاف و نشان فضیلت، حضرت فاطمه زهرا(س) باشد، بسیار مناسب است و این هنر اعجاب‌انگیز می‌تواند نقش مهمی در تنویر افکار مسلمانان و هدایت آن‌ها از این طریق داشته باشد. ملاحظه شد که شعر فاطمی با رسیدن اندیشه دینی به تحولی چشمگیر، مرحله‌ای نو و ممتاز را آغاز کرده است و نیز در این مرحله با وجود تفاوت‌های سبکی و زبانی، شاعران از نظر قوت عاطفه و استقلال اندیشه نقاط مشترک دارند. همچنین جنبه‌های گوناگون روایی و تاریخی و فلسفی و تخیلی را به یکدیگر آمیخته‌اند.

منابع

- قرآن کریم
- اسماعیلی، رضا. (۱۳۸۱). بانوی آینه و آب، تهران، مؤسسه فرهنگی صدیقه کبری فاطمه زهرا(س)، انتشارات سنا
- تاج لنگرودی، محمد مهدی. (۱۳۷۷). اخلاق حضرت فاطمه(س)، قم، انتشارات ممتاز
- حافظی، محسن. (۱۳۸۱). یاس مدینه، قم، انتشارات حضور
- حافظی، محسن. (۱۳۸۱). یاس نیلوفر، تهران، انتشارات سنا
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸). صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۲۵
- شاهرخی، محمود؛ مشفق کاشانی. (۱۳۸۲). آینه‌ی عصمت، قم، انتشارات اسوه
- صدر، سید موسی، «جلوه قرآن در اندیشه و بیان فاطمه زهرا(س)»، گلستان قرآن، سال ششم، ش ۱۵
- قائمی، علی. (۱۳۷۱). در مکتب فاطمه(س)، قم، انتشارات امیری
- کفاش، حمیدرضا. (۱۳۸۰). هفتاد و پنج درس زندگی از سیره عملی حضرت فاطمه زهرا(س)، انتشارات عابد
- محمد نژاد، میرعلی. (۱۳۸۲). نخل نجابت، تهران، مؤسسه فرهنگی صدیقه کبری فاطمه زهرا(س)، انتشارات سنا
- محمد نژاد، میرعلی. (۱۳۸۱). در کوچه‌های معطر احساس، «مجموعه شعر نو زهرایی»، تهران
- مظاهری، علی. (۱۳۶۵). شکوفه‌های فریاد، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۵). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۷
- موسوی گرمارودی، علی. (۱۳۷۵). در سایه سار نخل ولایت، تهران
- موسوی گرمارودی، ابوالفضل. (۱۳۸۱). بانوی بانوان، انتشارات دلیل ما